

بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه‌ی: محله قزل قلعه تهران)

غلامرضا جمشیدیها^۱، شیوا پروایی هره دشت^۲، صدیقه پیری^۳، ثریا ادیب حاج باقری^۴

چکیده

به دنبال سیاست جدید شهرداری تهران در راه تبدیل شدن به یک نهاد اجتماعی، طرح مدیریت محله برای تمرکززدایی در اداره‌ی امور شهری با مشارکت شهروندان مطرح شده است. سؤالات اصلی تحقیق حاضر این است: وضعیت حس تعلق محله‌ای موجود در بین ساکنان محله‌ی قزل قلعه تهران چگونه است؟ این پدیده متأثر از چه عواملی خواهد بود؟ و آیا با مشارکت اجتماعی در سطح محلات ارتباط دارد. هدف از پژوهش شناسایی سطح حس تعلق محله‌ای، میزان بهره‌وری محله‌ای و شناخت محله‌ای و نهایتاً سطح آمادگی برای مشارکت است. چارچوب نظری تحقیق الگوی مک میلان و چاوویس در مورد حس تعلق محله‌ای و نیز مشارکت مجید رهنماست. این پژوهش به روش کمی صورت گرفته و تمام ساکنان ۱۸ سال به بالای محله قزل قلعه‌ی تهران جمعیت آماری این پژوهش محسوب می‌شوند. نوع نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان هزینه‌های زندگی خانوارها، نوع شغل، تعداد سال‌های سکونت افراد در محله و حس تعلق محله‌ای شان نسبت به محله رابطه‌ی معناداری وجود دارد، در حالی که بین وضعیت مسکن، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

gjamshidi@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Shiva.parvahi@ut.ac.ir

spiri.1365@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

sadib@ut.ac.ir

۴- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۷

تاریخ وصول: ۹۲/۱۲/۱۵

حس تعلق محله‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. از دیگر نتایج این تحقیق این بود که متغیر شناخت محله‌ای بیشترین (۰/۵۲) تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی آمادگی برای مشارکت داشته است. پس بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته را حس تعلق محله‌ای ایجاد می‌کند؛ یعنی در مجموع ۲۷ درصد از متغیر تمایل به مشارکت تحت تأثیر این متغیر قرار دارد. در این تحقیق متغیر بهره‌وری محله‌ای نیز به دلیل اینکه سطح معناداری آن از ۰.۵٪ بزرگتر است، تأثیری بر متغیر وابسته ندارد و از معادله‌ی رگرسیون خارج می‌شود.

کلید واژه‌ها: تعلق محله‌ای، مشارکت، توسعه، شناخت محله‌ای، بهره‌وری محله‌ای

مقدمه و بیان مسأله

توسعه یکی از ابعاد اساسی زندگی فردی، روابط اجتماعی، سیاست، اقتصاد و فرهنگ در کشورها و مناطق مختلف است. از نیمه‌ی قرن بیستم به این سو، به طرز چشمگیری در سنت توسعه، تغییر و تحولاتی به وقوع پیوست؛ از جمله‌ی این تغییرات توجه به انسان و کنشگر انسانی و محور قرار دادن آن در برنامه‌های توسعه بود. در این دهه چنین تصور می‌شد که مطالعات توسعه مستلزم تمرکز بر موضوعات مختلفی از قبیل مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز هست.

از مباحثی که در زمینه‌ی تناسب مدل‌های توسعه مطرح شده بود، چنین استنباط می‌شد که در فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه، درکی صحیح از مسائل فرهنگی و اجتماعی، (گروه‌های هدف) وضعیت وخیم گذشته را بهبود خواهد بخشید. این مسأله زمان و منابع بسیاری از کارگزاران توسعه را به خود معطوف ساخت تا اقدامات برنامه‌ریزی در موقعیت‌های محلی، با فهم زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه، بهتر سازگار شود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳)

توجه به این مهم باعث شد که بیشتر شکستهای طرحهای توسعه به فقدان مشارکت مردم در فرایند طراحی و اجرای این طرحها نسبت داده شود. اکثریت قاطع آنها در جهت مخالفت با استراتژیهای عمل «از بالا به پایین» گام برداشته، از مشارکت و روشهای تعامل مشارکتی به عنوان یکی از جنبه‌های ضروری توسعه حمایت کردند (زاکس، ۱۳۷۷: ۱۶). باید گفت واژه‌های «مشارکت» و «مشارکتی» برای اولین بار در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ پا به

عرصه‌ی ظهور گذاشت و از آن زمان تا کنون نقشی اساسی در برنامه‌های توسعه به عهده داشته به گونه‌ای که انکار اهمیت آن دور از واقع‌بینی و دوراندیشی خواهد بود. در روان‌شناسی محیطی، تعلق مکانی به رابطه‌ی شناختی فرد یا جمع با یک محیط اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه‌ی هویتی فرد به محیط اجتماعی است. احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). اهمیت حضور انسان و احساس مسئولیت وی در قبال محیط خویش بود که باعث شد مازلو آن را در ذیل «نیازهای متعالی» یا «نیازهای رشددهنده» قرار دهد. مازلو متوجه شده بود افراد خودشکופا که از لحاظ توسعه‌ی روانی کامل‌ترین هستند به حل مشکلات یا مسائل علاقه نشان می‌دهند و این محدود به خود فرد نمی‌شود، بلکه معمولاً شامل مشکلات یا مسائل دیگران نیز هست. حل این مشکلات کانون اصلی توجه این افراد است که معمولاً دارای نوعی مأموریت یا هدف فلسفی یا اخلاقی در زندگی خود هستند (نیکو اقبال، ۱۳۷۸: ۲۳۲).

در چند دهه‌ی اخیر بازسازی اجتماعی در شهر بر اساس مدل توسعه‌ی محله‌ای در برخی از کشورهای جهان در قالب طراحی شهری مورد توجه قرار گرفته است. در فرانسه در دهه‌ی ۱۹۷۰ نیاز شدید به ساختمان‌های انبوه، مسأله‌ی بازسازی مناسب‌تر، رعایت جنبه‌های هنری، معماری، اجتماعی و غیره زمینه‌ساز طرح محله‌سازی گردید. فعالیت‌های جدید نوآوری معماری در این دوره بر محور «سکونت و حیات اجتماعی» بود. بنابراین سیاست جدید مبتنی بر «توسعه‌ی اجتماعی محله‌ها» توسط کمیسیون دابدوت در سال ۱۹۸۲ طراحی و به کار گرفته شد (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

تاریخ زندگی شهری در ایران نشان می‌دهد که شیوه‌ی زیست‌شهری مبتنی بر هویت محله‌ای بوده است. در شهرهای ایران همبستگی اجتماعی مبتنی بر محله‌ها بود. هویت این محله‌ها بر پایه‌ی قومیت، مذهب و نوع اشتغال اهالی قرار داشت. به دنبال سیاست جدید شهرداری تهران در راه تبدیل شدن به یک نهاد اجتماعی، طرح مدیریت محله

برای تمرکززدایی در اداره‌ی امور شهری با مشارکت شهروندان و نیز مقابله با تصمیم‌گیری‌های آمرانه و بدون در نظر گرفتن خواست و مطالبه‌ی مردم از سوی مسئولان، اجرایی شده است. مشارکت حداکثری شهروندان در فرایند مدیریت محله می‌تواند دستاوردهای مثبت زیادی را به همراه داشته باشد؛ اما باید گفت این نوع از مشارکت متأثر از عوامل زیادی خواهد بود که آگاهی به آنها مستلزم تأمل و بذل توجه دقیق به موضوع و واقعیت‌هایی خواهد بود که در متن محلات شکل گرفته و وجود دارند. یکی از این عوامل احساس تعلقی است که ساکنان به محلات خود دارند. اهمیت این موضوع باعث عطف توجه مقاله‌ی حاضر به آن شده است. با توجه به این موضوع مسأله‌ی تحقیق حاضر این است که وضعیت حس تعلق محله‌ای موجود در بین ساکنان محله قزل قلعه تهران چگونه است؟ این پدیده متأثر از چه عواملی خواهد بود؟ و آیا با مشارکت اجتماعی در سطح محلات ارتباط دارد؟ بنابراین هدف از پژوهش شناسایی سطح حس تعلق محله‌ای، میزان بهره‌وری محله‌ای و شناخت محله‌ای و نهایتاً سطح آمادگی برای مشارکت است.

پیشینه‌ی تجربی

مفرح (۱۳۸۹) در مقاله‌ی خود به شناسایی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله پرداخته است. این مقاله درصدد است با روش اسنادی و کتابخانه‌ای ابعاد جامعه‌شناختی تعلق اجتماعی شهروندان و عوامل اجتماعی مؤثر (پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله‌ای) بر ارتقای حس هویت و تعلق اجتماعی را در راستای مشارکت شهروندان در محله، با نگاهی به ساختار محله در شهر مورد بررسی قرار دهد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین دو متغیر مورد بررسی رابطه‌ی معناداری وجود داشته است. وارثی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه‌ی آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید" با هدف حل بسیاری از مشکلات ناشی از بی‌هویتی اینگونه شهرها با حجم نمونه‌ی ۱۶۰ نفر، در شهر جدید گلبهار انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که بین دو متغیر مؤلفه‌های هویت شهری و

تعلق مکانی ساکنان محله، همبستگی متوسط و مستقیم وجود داشته است. علاوه بر این بین متغیر وابسته یعنی تعلق مکانی ساکنان و متغیر مستقل مدت زمان سکونت رابطه معنادار بوده است. رهنما و رضوی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند. نتایج سرمست و متوسلی (۱۳۸۹) نشان‌دهنده‌ی این موضوع می‌باشد که در جنوب شهر تهران در محلاتی که دارای سابقه و پیشینه‌ی مثبت بوده، میزان حس تعلق به محله در اولویت اول و در محلاتی که وجهی عمومی مثبتی ندارند، میزان حس تعلق به شهر تهران در اولویت اول می‌باشد. در مناطق مرکزی تهران اولویت با میزان حس تعلق به محله و واحد همسایگی و همچنین مقیاس شهر بیشتر از مقیاسهای دیگر است. در مناطق شمالی شهر، در محلات خوش‌نام و با سابقه، ترجیح تعلق مکانی به محله و در اولویت بعدی منطقه شهری (شمال شهر) است و در محلات با سابقه و معروفیت کمتر اولویت با منطقه و در رتبه‌ی بعدی محله می‌باشد. ویلکینسون^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان پیوندهای اجتماعی محله-ای و تمایل به مداخله، با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق از ۱۵۹ نمونه از افراد ساکنان محله‌ای در شهر نیویورک به بررسی این دو مفهوم پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که پیوندهای اجتماعی بین ساکنان محلات بیشتر از حمایت و کنترل اجتماعی رو به تحلیل است که پیامدهای منفی را در سطح محلات موجب می‌شود.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

تعلق به محله

محله بزرگترین و در عین حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در یک جامعه‌ی شهری است، اندازه‌ی محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله محسوب می‌شوند (فیشر^۲، ۱۹۷۶: ۱۰۲). به عبارت دیگر

^۱ - Wilkinson

^۲ - fisher

محله واقعی است طبیعی و هر کجا که گروهی از افراد با یکدیگر زندگی کنند محله نیز امکان زیست پیدا می‌کند. به عبارت دیگر محلات همان قدر قدمت دارند که واحدهای خانوار و خویشاوندی دارا می‌باشند (بنرجی و بار^۱، ۱۹۸۴: ۲)

اجتماع محله‌ای^۲ نیز مجموعه‌هایی هستند مرکب از تک‌تک اعضا و بخش‌هایی که ضمن دارا بودن خصلت‌های متمایز، دارای روابط متقابل با یکدیگر می‌باشند؛ آنها می‌توانند به وسیله‌ی ویژگی‌های افراد ساکن در یک محل، مرزهای جغرافیایی، ارزش‌های مشترک، منافع، پیشینه و یا توان و نیروی پویایی (سازماندهی) تعریف شوند (CDC, 1998) به نقل از حاجی پور). بنا به تعریف، یک اجتماع محله‌ای باید ایجاد تعاملات شبکه‌ای و بین فردی را در درون یک واحد مورد ملاحظه قرار دهد. البته در یک اجتماع محله‌ای زندگی مردم در کنار هم لزوماً به معنی انجام تعاملات و ارتباطات دوسویه بین آنها نیست و این امکان هست که تعاملات اندکی میان همسایگان در یک محل وجود داشته باشد و این ماهیت ارتباطات «متقابل» میان افراد هست که به شکل‌گیری «شبکه‌های اجتماعی» منجر شده و اغلب به عنوان مهمترین جنبه‌ی یک اجتماع محله‌ای مد نظر است.

محله‌گرایی به دور از احیای کارکردهای سنتی آن، عبارت است از پرداختن به سازوکارهای نوین شهری به منظور سامان‌دهی فیزیکی و اجتماعی نیازها و امکانات و در مجموع زندگی شهروندان و روابط آنها با در نظر گرفتن ابعاد جغرافیایی (موسوی، ۱۳۸۲).

یکی از مهمترین عناصر محله، به عنوان واحد ساختاربخش، نظم‌دهنده و نماددهنده‌ی جامعه شهری، هویت و تعلق مکانی است. احساس تعلق فرایندی است که طی آن احساس مسؤلیت افزایش می‌یابد و به دنبال آن مشارکت تحقق می‌پذیرد. (ناطق پور، ۱۳۸۳).

از نظریه پردازان مفهوم اجتماعی حس تعلق محله‌ای مک میلان^۳ و چاوایس^۴ هستند. از

1- Banerjee & Bare

3- Community

³- McMillan

⁴- Chavis

نظر آنها دلایل اهمیت احساس تعلق محله‌ای بر فرایندهای مشارکت محله‌ای از رهگذر چهار مؤلفه قابل بررسی است:

۱- عضویت؛ در اولین قدم اگر فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله‌ای داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره‌ی محله‌ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و درک کند، احتمال مشارکت بیشتری در کنش‌های جمعی محله خواهد داشت. این عضویت را می‌توان به سادگی، میزان احساس یکی بودن، همگون بودن و پذیرش از طرف محله دانست؛ بدین معنی که فرد تا چه اندازه باور دارد که از طرف دیگر اعضای محله پذیرفته شده است. به همین دلیل، معمولاً افراد گوشه‌گیر ساکن در محله تمایل کمتری برای مشارکت دارند. در مقابل افراد گوشه‌گیر، آن دسته از افرادی که حس قدرتمندی از عضویت دارند، احتمالاً حس مسؤولیت و مشارکت محله‌ای بیشتری خواهند داشت.

۲- تأثیرگذاری؛ به صورت مشخص اگر افراد احساس نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری بر محله‌ی خود داشته باشند و کنش خود و هزینه و زمانی را که صرف مشارکت در کارهای محله می‌کنند، ثمربخش ارزیابی کنند، احتمال همراهی فعال آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای توسعه‌ی محله‌ی آنها ارائه شده است، به شکل چشم‌گیری افزایش پیدا می‌کند.

۳- تحقق نیازها؛ مؤلفه‌ی تحقق نیازها به عنوان سومین مؤلفه‌ی حس تعلق محله‌ای بر ارضای نیازهای واقعی اعضای محله تأکید دارد. در واقع، مؤلفه‌ی تحقق نیازها وقتی بهبود پیدا می‌کند که ساختار اجتماعی- فیزیکی محله قادر باشد، نیازهای ابتدایی و ثانویه ساکنان خود را برآورده کند. تأثیر مؤلفه‌ی تحقق نیازها بر مشارکت محله‌ای هم بدین شکل قابل تبیین است که هنگامی که اعضای محله به شکل روشنی به این نتیجه برسند که بخشی از نیازهای محله‌ای آنها در محله قابل دسترسی است، تمایل بیشتری به تهیه‌ی آن‌ها از محله خواهند داشت. این امر، بخشی از ارتباطات اجتماعی را دامن می‌زند و رفته رفته تقویت می‌کند. تقویت ارتباطات اجتماعی خود زمینه‌ی بروز و شکل‌گیری

فرآیندهای مشارکتی را به دنبال دارد.

۴- پیوندهای عاطفی؛ پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی‌ترین مؤلفه‌ی در بین چهار مؤلفه‌ی حس تعلق محله‌ای باشد. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله‌ای و محیط اطراف خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد. در واقع، گزینه‌ی پیوندهای عاطفی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌دارد که اگر فردی محله‌ای را که در آن زندگی می‌کند، به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد، احتمال این که آمادگی بیشتری برای مشارکت در کارهای محله داشته باشد، افزایش پیدا می‌کند (زمردیان، ۱۳۹۱).

مشارکت اجتماعی

پدیده‌ی مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده است (هوینکائوتری^۱، ۱۹۸۲: ۹)؛ اما گستردگی و عمق فهم مشارکت، امروزه دسته‌بندی و تعیین انواع آن را ناگزیر می‌سازد. برخی از نظریه‌پردازان انواع مشارکت را چنین تقسیم‌بندی کرده‌اند:

مشارکت اجتماعی نخستین: این مشارکت در شکل گفت‌وگو با مردم است و قرن‌هاست که این نوع مشارکت از سوی رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژی‌ها برای جلب مردم به کار رفته و دربرگیرنده‌ی تمامی مشارکت‌های افراد برای اعمال و مناسک موردنظر بوده است.

مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه: در پی بسیج اجتماعی از راه به کارگیری روانشناسی اجتماعی و کاربرد رسانه‌ها برای جلب همگان به مشارکت است.

مشارکت اجتماعی انسجام‌گرا: این مشارکت در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد و بر پایه‌ی ادغام اجتماعی و فرهنگی و جامعه‌پذیری فرهنگ مشارکت‌جویانه پیش می‌رود.

مشارکت اجتماعی برای توسعه: این نوع مشارکت را فرایندی اجتماعی، جهانی و چندبعدی تلقی می‌کنند و افراد را در آن برای توسعه‌ی ملی به مشارکت می‌خوانند

¹ - Huynhcnotri

(پیران، ۱۳۷۶: ۲۸-۲۷). منظور مقاله‌ی حاضر از مشارکت، نوع اخیر آن یعنی مشارکت اجتماعی برای توسعه می‌باشد. بر این اساس، رهنما معتقد است هنگامی که مفهوم مشارکت مردمی به عنوان عنصری کلیدی در ایجاد توسعه‌ای بدیل و انسان-محور مطرح شد، باید حداقل چهار کارکرد را انجام می‌داد: شناختی، اجتماعی، ابزاری و سیاسی (رهنما، ۱۹۹۲) به لحاظ معرفتی مشارکت مردمی باید تصویر و معنای جدیدی را بر مبنای انواع متفاوت کنش متقابل و تکاپوی مشترک این معرفت «مردمی» جدید بسازد. به لحاظ سیاسی باید به مردم قدرت واقعی بدهد، کارکرد ابزاری رهیافت مشارکتی باید پاسخ‌های جدیدی برای ناکامی‌های استراتژی‌های متداول پیدا کند و بالاخره باید کلیه‌ی نهادها، گروه‌ها و افراد درگیر در توسعه را دور هم جمع کند.

رهنما پیش‌فرض‌های رهیافت مشارکت مردمی را چنین خلاصه می‌کند:

(الف) می‌توان و باید بر موانع موجود بر سر راه توسعه غلبه کرد و این کار را با دادن فرصت کامل به مردم برای مشارکت در تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه‌ی خود می‌توان انجام داد.

(ب) مشارکت امری موجه است، چون نه تنها اراده اکثریت را بیان می‌کند بلکه تنها راه صلح‌آمیز برای رسیدن به اهداف مهم اخلاقی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توسعه‌ای مؤثر و انسانی‌تر است.

(ج) «کنش متقابل گفت و شنودی ۱»، «هوشیارسازی ۲» «تحقیقات عمل مشارکتی» و دیگر فعالیت‌های مشابه به مردم امکان سازماندهی در جهت تأمین مقاصد خود را می‌دهند.

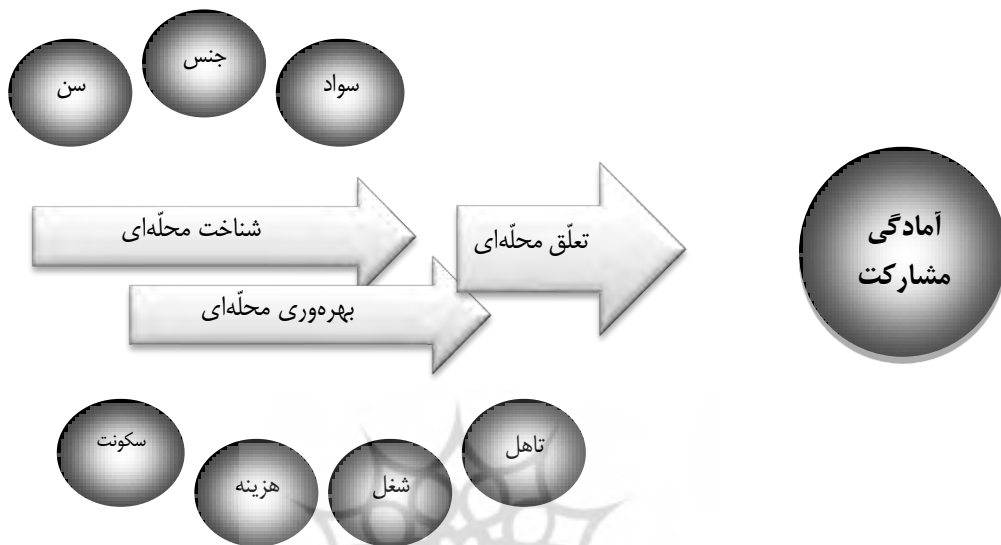
در پژوهش حاضر، بر مبنای نظریه‌های مربوط به محله و محله‌گرایی، تعلق مکانی و مشارکت، متغیر آمادگی برای مشارکت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که تحت تأثیر سه متغیر دیگر پژوهش یعنی بهره‌وری محله‌ای، شناخت محله‌ای و حس تعلق محله‌ای قرار دارد. حس تعلق محله‌ای در این پژوهش همچنین به عنوان میانجی دو متغیر پیش‌گفته و آمادگی برای مشارکت در نظر گرفته شده است. در شکل زیر مدل

¹ - Diological interaction

² - conscientization

چارچوب مفهومی پژوهش ترسیم شده است:

مدل چارچوب مفهومی پژوهش



روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به روشی کمی انجام گرفته است. تمام ساکنان ۱۸ سال به بالای محله‌ی قزل قلعه، جمعیت آماری این پژوهش محسوب می‌شوند. تعداد نمونه‌ی آماری لازم برای هر محله به نحوی که بتوان به یافته‌های حاصل از پژوهش در هر محله اتکا کرد و وضعیت محله را مورد توصیف و تحلیل قرار داد، ۱۲۰ پرسشنامه‌ی کامل و صحیح است؛ از این رو، در هر مرحله بر اساس شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۲۰ نفر از ساکنان ۱۸ سال به بالا انتخاب شدند. برای به دست آوردن تعداد نمونه‌ی مورد نیاز مرد و زن مراحل زیر طی شد: ۱- تهیه‌ی جدول جمعیت محله بر حسب گروه‌های ۱۰ ساله به تفکیک جنسیت

۲- محاسبه‌ی درصد نسبت مردان و زنان هر گروه سنی

۳- به دست آوردن تعداد نمونه‌ی هر گروه سنی در هر گروه جنسی

۴- ضرب عدد ۱۲۰ در درصد مردان و زنان در سطر جمع جدول

۵- از آنجا که این تعداد باید در ۱۲ بلوک تکمیل شود، این جدول را در ۱۲ جدول توزیع می‌کنیم؛ به طوری که جمع سلول‌های هر گروه سنی از هر جنسیت در ۱۲ جدول، متناظر تعداد نمونه‌ی آن گروه سنی در جنسیت مورد نظر باشد؛ بر این اساس، مشخص می‌شود که در هر بلوک چند مرد و چند زن در کدام گروه سنی باید در نمونه قرار گیرد. پرسشنامه‌ی مورد استفاده در این تحقیق، به عنوان ابزار اندازه‌گیری مبتنی بر اعتبار صوری (اعتبار از نظر کارشناسان) است که ۱۰ نفر از متخصصان در این زمینه این پرسشنامه را تأیید کرده‌اند. پرسشنامه‌ی اصلاح شده به تعداد ۲۰ مورد به عنوان پیش‌آزمون در اختیار نمونه‌های مشابه قرار گرفت تا نواقص و ابهامات موجود برطرف شود و بر اساس آن پایایی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. منظور از پایایی، ثبات اندازه‌گیری در شرایط زمانی و مکانی متفاوت است. یکی از روش‌های معمول برای اندازه‌گیری پایایی استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است. جهت اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه‌ی طراحی شده، با استفاده از نرم افزار Spss، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه محاسبه گردید. پایایی به دست آمده برای متغیرهای حس تعلق (۰/۷۳)، آمادگی برای مشارکت (۰/۸۰)، بهره‌وری محله‌ای (۰/۸۲) و شناخت محله‌ای (۰/۷۱) است. آلفای به دست آمده آلفایی مناسبی بوده چرا که ضریب پایایی بالای هفت دهم است. در این قسمت به تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش می‌پردازیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره‌ی ۱- تعریف متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی هر یک

متغیر پژوهش	مؤلفه‌ی متغیر	گویه‌ها
حس تعلق محله‌ای	عضویت	من افراد ساکن محله را می‌شناسم.
		هنگامی که در محله هستم فکر می‌کنم در خانه خودم هستم.

متغیر پژوهش	مؤلفه‌ی متغیر	گویه‌ها
	تأثیرگذاری	تعداد بسیار زیادی از مردم محله مرا می‌شناسند.
		اینکه مردم محله‌ی من درباره‌ی کارهای من چه فکری می‌کنند، برای من مهم است.
		من می‌توانم بر شرایط و محیط محله اثرگذار باشم.
	برآورده‌سازی نیازها	اگر مشکلی در محله به وجود بیاید مردم محله می‌توانند آن را حل کنند.
		من فکر می‌کنم که محله‌ی ما جای خوبی برای زندگی کردن است.
		مردم محله در مورد مسائل محله با هم همکاری و اتفاق نظر دارند. نیازهای اساسی من در محله وجود دارد و تأمین می‌شود.
	پیوست‌های عاطفی	من زندگی کردن در این محله را دوست دارم.
		فکر می‌کنم برای مدت زیاد به سکونت در این محله ادامه خواهم داد.
		مردم این محله به کمک کردن به هم‌محلی‌های خود علاقه‌مند هستند.
آمادگی برای مشارکت	آمادگی برای کنش جمعی	فکر می‌کنم برای داشتن محله‌ای بهتر باید با همکاری با دیگران و به صورت جمعی کار کرد.
	آمادگی برای کنش داوطلبانه	آماده هستم تا وقت خود را به صورت داوطلبانه برای بهبود شرایط محله‌ام صرف کنم.
	آمادگی برای کنش نهادمند	آماده هستم تا با نهادهای محله‌ای همانند سرای محله و کانون‌های محله‌ای همکاری داشته باشم.
بهره‌وری محله‌ای	پارک‌ها و مراکز تفریحی	تا چه اندازه از فضاهای عمومی تفریحی محله خود مانند پارک‌ها، فضاهای سبز و بوستان‌ها استفاده می‌کنید؟
	مراکز خرید مانند میادین تره و بار	تا چه اندازه خرید روزانه را از محله خود به ویژه از بازارها و میادین میوه و تره‌بار محله انجام می‌دهید؟
	نهادهای	تا چه اندازه از خدمات ارائه شده توسط نهادهای محله‌ای همانند

متغیر پژوهش	مؤلفه‌ی متغیر	گویه‌ها
شناخت محله‌ای	محله‌ای	برنامه‌های سلامت، ورزشی، پزشک محله و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی استفاده می‌کنید.
	محیط جغرافیایی	چه اندازه محیط جغرافیایی محله خود (کوچه‌ها، خیابان‌ها و میدان) را می‌شناسید؟
	گذشته‌ی تاریخی	تا چه اندازه از گذشته محله خود اطلاع دارید؟
	شناخت نهادهای محله‌ای	تا چه اندازه از فعالیت نهادهای محله‌ای از قبیل سرای محله، خانه‌ی سلامت، پزشک محله و غیره اطلاع دارید؟

در جدول زیر سطح سنجش متغیرها نشان داده شده است:

جدول شماره‌ی ۲- انواع و ویژگی‌های متغیرهای قابل بررسی در این پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	مشخصات متغیر
جنسیت	مستقل - زمینه‌ای	اسمی
سال تولد	مستقل - زمینه‌ای	نسبی
وضعیت تأهل	مستقل - زمینه‌ای	اسمی
سال‌های تحصیل	مستقل - زمینه‌ای	نسبی
وضع اشتغال	مستقل - زمینه‌ای	اسمی
وضع مالکیت مسکن	مستقل - زمینه‌ای	اسمی
هزینه‌ی ماهیانه	مستقل - زمینه‌ای	نسبی
تعداد سال‌های سکونت در محله	مستقل - زمینه‌ای	نسبی
سطح بهره‌وری محله‌ای	مستقل	فاصله‌ای
سطح شناخت محله‌ای	مستقل	فاصله‌ای
احساس تعلق محله‌ای	وابسته، میانجی	فاصله‌ای

فاصله‌ای	وابسته	آمادگی مشارکت محله‌ای
----------	--------	-----------------------

یافته‌های تحقیق

حس تعلق محله‌ای می‌تواند متأثر از فاکتورهای فردی، اجتماعی- اقتصادی و جمعیت‌شناختی باشد. در این راستا آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون T به کار گرفته شده است. در اینجا فرض صفر این است که امتیاز میانگین پاسخگویان در طبقات مختلف برابر است. زمانی از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده که امتیاز حس تعلق محلی بیش از دو طبقه مقایسه شده‌اند. برای آنالیز واریانس یک طرفه، سطح معناداری ۰/۰۵ انتخاب شده است. آزمون T نیز برای مقایسه‌ی امتیاز متغیر دو طبقه‌ای (مثل جنسیت) استفاده شده است. اما قبل از ارائه یافته‌های استنباطی تحقیق لازم است گزارشی درباره‌ی وضعیت مؤلفه‌های حس تعلق محله‌ای داده شود که در ادامه خواهد آمد:

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی مولفه‌های تعلق محله‌ای

ابعاد	فراوانی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
برآوردن نیازها	تعداد	۲۰	۴۴	۱۲۲	۱۴۳	۲۶	۳۶۰
	درصد	۱۶,۷	۳۶,۶	۱۰۱,۷	۱۱۹,۲	۲۱,۶	۲۹۵,۸
عضویت	تعداد	۴۷	۸۶	۱۳۸	۶۹	۱۵	۳۶۰
	درصد	۳۹,۲	۷۱,۶	۱۱۵	۵۷,۵	۱۲,۵	۲۹۵,۸
اثرگذاری	تعداد	۱۸	۱۰۵	۱۵۱	۷۰	۱۱	۳۶۰
	درصد	۱۴,۹	۸۷,۵	۱۲۳,۹	۵۸,۴	۹,۱	۲۹۳,۸
پیوندهای احساسی	تعداد	۱۱	۴۳	۱۰۲	۱۴۷	۵۴	۳۶۰
	درصد	۹,۲	۴۰,۳	۸۵	۱۲۲,۵	۴۵	۳۰۲

با جمع دوازده سنجهی مربوط به این متغیر، وضعیت کلی تعلق محله‌ای به دست آمد:

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی تعلق محله‌ای

فراوانی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی متوسط	جمع
تعداد	۹۶	۲۷۸	۵۱۳	۴۲۹	۱۰۶	۱۴۲۲

۱۱۸۷,۴	۸۸,۲	۳۵۷,۶	۴۲۵,۶	۲۳۶	۸۰	درصد
--------	------	-------	-------	-----	----	------

همانطور که در بالا نیز آمده است اگر بالاترین نمره مربوط به نمره‌ی حس تعلق محله‌ای ۶۰ باشد، (که حاصل جمع نمرات گویه‌های آن است)، میانگین متغیر مورد نظر در گروه نمونه تحقیقی معادل ۳۷/۳۵ است.

جدول شماره‌ی ۵- آزمون تفاوت میانگین حس تعلق محله‌ای بر حسب جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، هزینه، شغل، وضعیت مسکن.

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	مقدار F	سطح معناداری
جنسیت	مرد	۶۵	-	۰,۲۵۱	۰,۶۱۷
	زن	۵۳			
سن	۰-۲۹	۲۸	۳۶,۲۹	۰,۸۷۷	۰,۶۶۳
	۳۰-۵۴	۶۶			
	۵۵ به بالا	۲۱			
میزان تحصیلات	دیپلم	۴۰	۵,۲۶	۲,۳۰۰	۰,۰۶۳
	فوق دیپلم	۸			
	کارشناسی	۵۱			
	کارشناسی ارشد	۱۱			
	دکتری	۸			
	حوزوی	۰			
وضعیت تأهل	متاهل	۲۵	۱,۸۲	۰,۸۸۷	۰,۶۶۳
	مجرد	۸۴			
	همسر فوت شده	۷			
	متارکه یا مطلقه	۱			
میزان هزینه	دو میلیون و یک هزار تومان به بالا	۱۳	۳,۰۶	۲,۶۴۷	۰,۰۵۲
	یک میلیون و پانصد هزار و یک تا دو میلیون تومان	۱۴			
	یک میلیون و یک تا یک میلیون و پانصد هزار تومان	۶۶			
	۵۰۱ هزار تا یک میلیون تومان	۲۳			
	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۲			

۰,۰۰۰	۸,۱۸۷	۳,۷۸	۲۶ ۳۲ ۰ ۱۴ ۱۲ ۵ ۳۱	کارمند خانه‌دار کارگر کاسب در حال تحصیل بیکار بازنشسته	شغل
۰,۲۵۸	۱,۳۲۶	۱,۱۶	۲۰ ۹۶ ۱	شخصی استیجاری سازمانی	وضعیت مسکن
۰,۰۳۰	۲,۵۸۱	۱۹,۳۳	۰ ۶ ۳ ۷ ۵ ۹۷	کمتر از یک سال یک تا سه سال سه تا پنج سال پنج تا ۷ سال ۷ تا ۹ سال بیش از ۹ سال	تعداد سال سکونت

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین میزان هزینه‌های زندگی خانوارها، نوع شغل، تعداد سال‌های سکونت افراد در محله و حس تعلق محله‌ای شان نسبت به محله رابطه معناداری وجود دارد؛ در حالی که بین وضعیت مسکن، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و حس تعلق محله‌ای رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. از آنجایی که محله‌ی مورد مطالعه محله‌ای است که ساکنان آن معمولاً افرادی از طبقات متوسط رو به بالا و دارای سطح تحصیلات بالا هستند و همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد اکثر افراد مورد مطالعه بیش از نه سال در محله سکونت داشتند؛ بنابراین بالطبع این افراد نسبت به محله‌ی خود احساس تعلق بالایی را داشته و نسبت به مسائل آن آگاهی داشته و مسؤولیت زیادی را احساس می‌کردند.

در جدول زیر ارتباط متغیرهای مستقل تحقیق یعنی بهره‌ری و شناخت محله‌ای با متغیر حس تعلق محله‌ای که به عنوان متغیر مستقل واسطه شناسایی شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۶- رابطه‌ی بین بهره‌وری و شناخت محله‌ای و حس تعلق محله‌ای

شناخت محله‌ای		بهره‌وری محله‌ای		متغیر ملاک متغیرهای پیش بین
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۰۰	۰,۵۳۶	۰,۱۰۷	۰,۱۴۸	حس تعلق محله‌ای

جدول بالا نشان می‌دهد که بین دو متغیر بهره‌وری محله‌ای و حس تعلق محله‌ای همبستگی وجود ندارد؛ در حالی که بین شناخت محله‌ای و حس تعلق محله‌ای رابطه معناداری وجود دارد. در واقع با افزایش شناخت محله‌ای، حس تعلق محله‌ای نیز افزایش می‌یابد. همانطور که در قسمت یافته‌های توصیفی جدول شماره ۱ یک نیز آمد، افراد مورد مطالعه به دلیل ویژگی‌هایی از قبیل تعداد سال‌های سکونت بالا (بومی بودن) شناخت بالایی از محلات خود داشته که این امر در افزایش حس تعلق خود نسبت به محله اثرگذار بوده است.

در ادامه با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه، تأثیر بهره‌وری و شناخت محله‌ای بر حس تعلق محله‌ای مورد بررسی قرار گرفته است:

Article I جدول شماره ۷- مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی تأثیر بهره‌وری و

شناخت محله‌ای بر حس تعلق محله‌ای

تغییرات آماری					برآورد انحراف استاندارد	R مجذور اصلاح شده	R ²	R	شاخص آماري
Sig. F Change	dF ₂	dF ₁	F تغییر یافته	مجذور R تغییر یافته					
.۰۰۰	۱۱۷	۲	۲۳,۹۷۱	.۲۹۱	۷,۳۳۶۹۷	.۲۷۹	.۲۹۱	.۵۳۹	مدل رگرسیون

با توجه به معنا دار بودن رابطه‌ی شناخت و تعلق محله‌ای جدول فوق ضریب همبستگی تأثیر شناخت محله‌ای را بر حس تعلق محله‌ای شهروندان بررسی می‌کند. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۲۷۹ و دارای سطح معناداری بسیار بالا ($p=۰/۰۰۰$) است. منظور از R^2 میزان برآورد واریانس حس تعلق محله‌ای است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد که در تحقیق حاضر مشخص شد که ۰/۲۹۱ (۲۹ درصد) از واریانس (یا تغییرات) حس تعلق محله‌ای توسط متغیر شناخت محله‌ای تبیین می‌گردد.

در جدول زیر تلاش می‌شود تأثیر حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای مشارکت اجتماعی شهروندان قزل قلعه به عنوان متغیرهای اصلی تحقیق نشان داده شود:

جدول شماره ۸- رابطه‌ی بین آمادگی برای مشارکت اجتماعی و حس تعلق محله‌ای

حس تعلق محله‌ای		متغیر ملاک
سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای پیش بین
۰,۰۰۳	۰,۲۷۲	آمادگی برای مشارکت

جدول بالا نشان می‌دهد که بین دو متغیر حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در واقع با افزایش حس تعلق محله‌ای، آمادگی و تمایل برای مشارکت نیز افزایش می‌یابد. در ادامه با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه‌ی تأثیر حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است:

Article II جدول شماره ۹- تحلیل رگرسیونی تأثیر حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای

مشارکت

شاخص آماری	R	R^2	R	مجدور اصلاح شده	برآورد انحراف استاندارد	سطح معناداری
مدل رگرسیون بهره‌وری و شناخت محله‌ای	۰,۲۷۲	۰,۰۷۴	۰,۶۶	۸,۳۴۷۲۷	۰,۰۰۳	

جدول فوق ضریب همبستگی تأثیر حس تعلق محله‌ای را بر آمادگی برای مشارکت

شهروندان بررسی می‌کند. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۰۶۶ و دارای سطح معناداری بسیار بالا ($p=0/003$) است. منظور از R^2 میزان برآورد واریانس آمادگی برای مشارکت است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد که در تحقیق حاضر مشخص شد که ۰/۰۷۴ (۷ درصد) از واریانس (یا تغییرات) آمادگی برای مشارکت اجتماعی توسط متغیر حس تعلق محله‌ای تبیین می‌گردد.

در ادامه تلاش می‌شود برای نشان دادن اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله‌ی رگرسیون مورد نظر از بتاهای استاندارد شده استفاده شود. بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده‌ی اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته است. بدین منظور این داده‌ها را در جدول زیر خلاصه نموده‌ایم:

جدول شماره‌ی ۱۰- ضرایب رگرسیون و بتای استاندارد متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی آمادگی برای مشارکت اجتماعی

متغیر مستقل	ضرایب رگرسیون	بتای استاندارد شده	سطح معناداری sig	آماره‌ی آزمون T
بهره‌وری محله‌ای	۰/۳۰۰	۰/۰۵۶	۰/۴۷۹	۰/۷۱۰
شناخت محله‌ای	۲/۴۸۷	۰/۵۲۷	۰/۰۰۰	۶/۶۵۹
حس تعلق محله‌ای	۰/۹۵۱	۰/۲۷۲	۰/۰۰۳	۳/۰۷۱

متغیر وابسته: آمادگی برای مشارکت
همانطور که گفته شد برای مقایسه‌ی آثار متغیرهای موجود در مدل رگرسیون بر متغیر وابسته، می‌توان از بتاهای استاندارد شده استفاده کرد. ستون بتاهای استاندارد شده نشان می‌دهد که متغیر شناخت محله‌ای (۰/۵۲) بیشترین تأثیر را بر آمادگی برای مشارکت داشته است. پس آن بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته را حس تعلق محله‌ای ایجاد می‌کند؛ یعنی در مجموع ۲۷ درصد از متغیر تمایل به مشارکت تحت تأثیر این متغیر قرار دارد. در این تحقیق متغیر بهره‌وری محله‌ای نیز به دلیل اینکه سطح معناداری آن از ۰/۰۵ بزرگتر است، تأثیری بر متغیر وابسته ندارد و از معادله‌ی رگرسیون خارج می‌شود.

نتیجه‌گیری

محلات همانطور که شهروندان با تعلقات و کنش‌های خویش پیامدهای مختلفی را در این گونه فضاها موجب می‌شوند. فراهم‌کننده‌ی شرایط مختلف برای برقراری روابط و کنش‌های انسانی شهروندان هستند؛ اهمیت این موضوع باعث عطف توجه مقاله به آن شده است. شهروندان محله‌ی قزل قلعه افرادی با میانگین تحصیلات، سطح منزلت اجتماعی و مدت سابقه‌ی سکونت بالایی هستند که همه‌ی این موارد شناخت بالای آنها از محله و محیط زندگی خانوادگی آنها را موجب می‌شود؛ این شناخت احساس تعلق خاطر آنها به محله‌ی خود را در پی دارد و نهایتاً حس تعلق محله‌ای در ادامه‌ی آمادگی و تمایل شهروندان به مشارکت بیشتر در امور محله و توسعه را سبب می‌شود. مقاله‌ی حاضر نتایج کار مفرح (۱۳۸۹) وارثی و همکاران (۱۳۸۹) را تأیید می‌کند، هرچند برخلاف مقاله‌ی حاضر، در این دو پژوهش احساس تعلق محله‌ای به عنوان متغیر وابسته شناسایی شده است. رابطه‌ی مشارکت و احساس تعلق به محله در پژوهش نخست و مدت زمان سکونت و تعلق مکانی در پژوهش دوم معنادار بوده است. نتایج تحقیق همچنین گویای تأیید نتایج پژوهش رهنما و رضوی (۱۳۹۱)، سرمست و متوسلی (۱۳۸۹) و ویلکینسون (۲۰۰۷) نیز می‌باشد.

باید گفت در سیاست‌گذاری‌های شهری، توجه به توسعه‌ی اجتماعی محلات بیش‌تر از مسائل فرهنگی و اجتماعی شهروندان را موجب می‌شود؛ امری که کاهش هزینه‌ها و آسیب‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. وجود برخی مشکلات در محله‌ی مورد مطالعه از قبیل تاریکی برخی فضاهای محله مثل پارک‌ها و در نتیجه عدم وجود امنیت در آنجا، وجود معتادان در محله و اطراف اتوبان، شلوغی محله امیرآباد و از جمله مواردی بود که عدم رضایت ساکنان و در نتیجه کاهش احساس تعلق آنها به محیط را موجب می‌شد. این روند کاهش مسؤولیت آنها در قبال محیط زندگی خود و هنجارشکنی‌های دیگران را موجب می‌شود که ادامه‌ی آن دور باطل مشکلات شهری را دامن خواهد زد؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه نتایج تحقیق حاضر که نشان از اهمیت شناخت محله در افزایش مشارکت محله‌ای داشت، تلاش برای افزایش تمایل به شناخت محله و مسائل و مشکلات آن توسط شهروندان از جمله مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش

است که توجه به آن افزایش احساس تعلق، مشارکت هرچه بیشتر، ایجاد محیطی امن و در نتیجه توسعه محله‌ای را موجب خواهد شد.



منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۷). رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق در توسعه‌ی روستایی. تهران: نشر نی
- پیران، پرویز. (۱۳۷۶). مبانی مفهومی و نظری مشارکت زنان روستایی و نقش آن در گذار جوامع. تهران: وزارت نیرو، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله‌مبنا- رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمدحسن. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. فصلنامه‌ی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۵۰.
- زمریدیان، امیرحسین. (۱۳۹۱). اهمیت پرداختن به موضوع حس جمعی در طرح‌ها و پژوهش‌های توسعه محله‌ای. جستارهای شهری، شماره‌ی ۳۹ و ۴۰.
- سرمست، بهرام و متوسلی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان. دو فصلنامه‌ی مدیریت شهری، سال هشتم، شماره‌ی ۲۶.
- فلاح، مریم. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده‌ی آن. نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۶، صص ۵۷-۶۶.
- مفرح، فاطمه. (۱۳۸۹). شناسایی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله. همایش شهروندان و تعلق اجتماعی، www.civilica.com/Paper
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۲). مبانی شهری توسعه از نوع محله‌ای. مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران.
- ناطق پور، محمد جواد. (۱۳۸۳). توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی. رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۸۳، شماره‌ی ۲۵، صص ۲۸-۳۲.
- نیکوآقبال، علی اکبر. (۱۳۷۸). برگزیده‌ی نظریه‌های سازمان و مدیریت. سازمان مطالعه و

تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

- وارثی، حمیدرضا؛ بافنده، مهدی و محمدزاده، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید. برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد مرودشت پاییز ۱۳۸۹، شماره ۲.

- Banerjee, T. & Baer, W.C. (1984). Beyond The Neighbourhood Unit: residential environment and public policy. New York: Plenum Press.
- Fisher, Claude, (1976). The Urban Experience, Columbia university
- Huynhcnotri (1982). Participate in Development , Paris : UNESco
- Rahnema, Majid. (1992). Participation. In The Development Dictionary: a Guide to Knowledge as Power. Wolfgang Sachs, ed. London: Zed Books.
- Wilkinson, Deanna L. (2007). Local Social Ties and Willingness to Intervene Textured Views Among Violent Urban Youth of Neighborhood Social Control Dynamics and Situations - Justice Quarterly - Volume 24





پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی